

تحلیلی از گذشته و آینده فلسفه دین

حمیدرضا آیت‌اللهی^۱

فلسفه دین در چهل سال گذشته تحولات بسیاری را بخود دیده است. در دهه ۹۰ میلادی توانست جریان پوپایی در فلسفه ورزی از خود نشان دهد. بحق پلنتینجا و هم مشرب‌های او و جان هیک نقش‌های موثری را در این زمینه داشتند. پلنتینجا بستر جدیدی در معرفت‌شناسی پدید آورد که فلسفه ورزی دین‌میدان وسیعتری پیدا کرد. همین امر فلسفه دین را از تکاپوهای ایستا که بازگویی مطالب پیشینیان با استدلال‌های کمابیش جدید تر بود بدر آورد. جان هیک در فلسفه دین توجه فیلسوفان دین را به ادیان دیگر متوجه ساخت در نتیجه ساحت‌های جدیدی در فلسفه دین از این جهت پدید آمد.

اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم تنقیح و تنظیم دیدگاه‌ها در فلسفه دین اهمیت پیدا کرد و کتاب‌های متعددی که فراهم آورنده دیدگاه‌های بدیع در فلسفه دین بود در مجموعه مقالات منتشر شد. سنت کتاب‌هایی با ویراستاری یک اندیشمند و با جهت‌گیری‌های خود او خریدار بسیاری پیدا کرد و مبنایی برای تجمیع نوآوری‌های اندیشه‌ای در فلسفه دین بود. این سنت متأسفانه هنوز در ایران مورد توجه قرار نگرفته است. همین مجموعه‌ها بحث‌های جدی‌تری را در فلسفه دین بوجود آوردند. ملحدان نیز سعی کردند ساختارمند تر و مستدل تر بحث‌های خود را پیش ببرند.

علی‌رغم این که فیلسوفان دین متوجه شدند که باید در حیطه‌های انضمامی‌تری فلسفه ورزی کنند و به مسائلی همچون معنای زندگی روی آورند ولی اندیشه ورزی در بحث‌های نظری در عناوین سنتی فلسفه دین همچنان با تکاپو ادامه یافته است. از ابتدای قرن بیست و یکم رفته رفته حیطه‌های الهیاتی و فلسفه دین به یکدیگر نزدیک شدند. با اینکه قبلاً فلسفه دین قرابت بسیاری با الهیات سیستماتیک داشت، ولی بتدریج بجای فلسفه ورزی منطقی در گزاره‌های بنیادین دینی، رفته رفته نظریه‌های الهیاتی خود را به فلسفه دین نزدیک کرد. ارائه نظریه‌هایی دین‌پژوهانه برای فراهم آوردن مدل‌های دینی و الهیاتی (همچون الهیات پسامدرن یا نظریه‌های دینی پسامدرن) رشد کرد. اینگونه اندیشیدن درباره دین که در جامعه‌شناسی و روانشناسی دین هم رسوخ داشت بستری جدید پدید آورد که برخی فیلسوفان را به این فکر انداخت که راهی جدید در فلسفه ورزی درباره دین نشان دهند. با این رویکرد جدید عده‌ای که در فضای تفکر قاره‌ای می‌اندیشیدند و چندان تمایلی به نگرش‌های تحلیلی-زبانی نداشتند جریان جدیدی به نام فلسفه دین قاره‌ای را پدید آوردند و ادبیات متعددی در این باره پدید آوردند. این جریان فکری نتوانست با فیلسوفان دین سنتی که در فضای تحلیلی زبانی و در قالب‌های منطقی فعالیت می‌کردند گفتگوهای تعاملی ایجاد نماید و گویا هریک بدون ارتباط با دیگری به فعالیت خودشان ادامه می‌دهند.

^۱ - استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

با توجه به نشانه های فعالیتهای فعلی و قبلی فلسفه دین بنظر نگارنده می رسد که می توان چنین آینده ای را برای بسط و بالندگی فلسفه دین انتظار داشت:

۱- از آن جا که فلسفه دین قاره ای دل نگران اثبات یا رد نظریاتش در قالبهای منطقی نیست و ارائه نظریه هایی یکی پس از دیگری برای آن اهمیت دارد لذا می تواند دامنه گسترده ای را برای طرح مدل‌های جدیدی از نگرش های دینی را (که معمولا متاثر از مسیحیت است) پیش رو داشته باشد. پیشرفت این جریان منوط به خلاقیت‌های نظریه پردازان دینی و الهیاتی در این زمینه است. این نظریه پردازی ها می تواند از جریانهای فکری جدید دیگری که در فلسفه قاره ای رواج می یابد متاثر باشد. اما این جریان همواره با مشکل مقبولیت مواجه خواهد بود درحالی که در فلسفه دین تحلیلی، منطقی بودن می تواند به مقبولیت آن دیدگاهها یاری رساند.

۲- بنظر می رسد در فلسفه دین تحلیلی نوآوری ها متاثر از تحولاتی خواهد بود که در سایر حوزه های فلسفی در فضای تحلیلی همچون معرفت شناسی، فلسفه ذهن، فلسفه اخلاق، روانشناسی فلسفی، معناشناسی، زیست شناسی تکاملی، کیهان شناسی، تحلیل های فلسفی تاریخ و جغرافیا بوجود خواهد آمد. به همین جهت فیلسوفان دین فراخور حالشان باید مترصد تحولات سایر حوزه ها هم باشند. این توجه به سایر حوزه ها موقعیت های جدیدی برای آنها پیش می آورد تا بتوانند به بسط نوآوری ها در فلسفه دین بپردازند.

۳- بنظر می رسد بحث های سنتی در فلسفه دین همچنان علاقمندان خودش را داشته باشد و بحث ها و گفتگوهای فیلسوفان دین را همچنان زنده داشته باشد. در این زمینه ارائه یک نظر و نقد و پاسخ و نقد نقد و نقادی های سپس تر در مسائل سنتی فلسفه دین مخصوصا بین ملحدان و خداباوران جریان داشته باشد. پیش بینی شخصی ام این است این بحث ها حول مفهوم خدا و صفات او بیشتر متمرکز گردد. بنظر می رسد برایان لغتو در این زمینه پیشتاز شده است. گرچه از این پس دیگر شخصیت های بزرگی در فلسفه دین همچون پلنتینجا، سوئین برن، جان هیک، آنتونی فلو کمتر یافت خواهند شد ولی فیلسوفان دین متعددی بدون آن که همانند پیشینیان برجسته شوند در محدوده های گوناگون سربر خواهند آورد ولی به هر حال ناگزیر هستند روی دوش بزرگان قبلی سوار شوند. از همه مهم تر، فیلسوفان دین مهمی از فرهنگهای دیگر غیر از مسیحیت و غرب، اندیشه های فلسفی بدیعی ارائه خواهند کرد بگونه ای که اندیشمندان غربی تعامل با آنها را مهم خواهند یافت.

اما آنچه برای ما از این پس مهم خواهد بود این است که رصد خود را از مباحث جدیدی که در فلسفه دین (مخصوصا در سنت تحلیلی) مطرح می شود افزایش بخشیم. در این زمینه بهترین راه، تبادل اطلاعات بین اندیشمندانمان است که به نحوی خود را در معرض انواع دیدگاههای جدید قرار می دهند. به همین صورت تعامل فیلسوفان دین در جامعه ما با سایر حوزه های فلسفی و علوم انسانی نیز اهمیت دارد تا در جریان دیدگاههای جدید در سایر حوزه های اندیشه ورزی باشند.

کار سترگی که همچون قبل باید با قوت ادامه پیدا کند فلسفه ورزی مبتنی بر فلسفه و اندیشه اسلامی است که فیلسوفان دین جامعه ما باید در فلسفه دین نه تنها در میان علاقمندان داخلی که در بازار اندیشه جهانی نیز ارائه نمایند.